

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

شخصیت برزخی انسان

شناسنامه مطلب	
t-154	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به نظام آفرینش	رده
تغییر نگرش، تقوا، برزخ، اعمال، شخصیت، انسان، عوالم هستی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

عمل این انسان دائماً در حال به وجود آمدن است. ممکن است سؤال به ذهن برسد که مثلاً کسی که پنج ساعت است که ساکت نشسته، چه عملی انجام می‌دهد. اما از دیدگاه لطیف آن عالم، در همین ساکت بودن هم فرد در حال عمل است. با چه نیتی نشسته است؟ او قبل از ساکت شدن در اعضا، در نیت قصد سکوت کرد و فعلی از او صادر شد، و به اعضا حرکت کرد.

مطابق نظر برخی از علما، اسم هیکل آن عالم را [که توضیح داده شد] شخصیت می‌گویند.

اما در نظر عموم، از شخصیت معنای ظاهری بسیار پائینی شده است و معمولاً کسی که دو زانو بنشیند و برخی اداها را داشته باشد، آدم باشخصیتی است. شخصیت، آن حقیقتی است که در اثر تولیدات حرکت این عالم یعنی افعال ما که از نیت صادر شده، مأمور مربوطه می‌گیرد و حقیقتی را درست می‌کند که آن حقیقت، طوری لطیف است که امکان درک آن در این عالم، وجود ندارد. محال است علم روزی بتواند آن را بفهمد. تازه اگر بفهمد، اینقدر می‌تواند بفهمد که هر حرکتی که انجام می‌دهم، از بین نرفت. بلکه بلافاصله گرفتند و از آن چیزی درست کردند. پس این حرکات من در همان آن که تکان می‌دهم با هر نیتی، آن فعل فوراً پیکره عضوی شد. خود آن چه هست در این عالم، قابل درک نیست و محال است بتوان آن را فهمید. همچنانکه دیدن و نور را نمی‌توان در عالم رحم مادر فهماند.

همه عذاب و بهشت و جهنم، همه این‌ها در خودت است؛ اما درک آن محال است.

چون در نظام این عالم هستیم. اما وحی همین قدر به من می‌فهماند که همین که از نظام این عالم بیرون آمدید و چشم و گوش و افنده دادیم، از این به بعد، اختیار ساخت خودت را به خودت دادیم.

پس ما در این عالم که قرار گرفتیم، خون این عالم (اعمال من) دائماً در حال حرکت است و ملائکه مربوطه این‌ها را می‌گیرند و چیزی درست می‌کنند. اما برخی به علت ضعف فهم آیات و روایات تصور می‌کنند این که گفته شده ملائکه اعمال انسان را می‌نویسند، مثلاً کاغذ طولانی خاصی دارند و نوشتن معمولی منظور است. و بعد با این علوم جدید آشنا می‌شویم و باعث می‌شود که دین را از چشم ما بی‌اندازند و شبهه ایجاد کنند. این نامه اعمال نه به آن معناست؛ بلکه وقتی مثلاً چشم با نیت نامحرم نگاه می‌کند، این فعل در شخصیت عالم بعد به میله آهنی تبدیل می‌شود که مرتب به این چشم فرو می‌رود و درمی‌آید.

بعضی هم در این طرف و آن طرف و در مهمانی‌ها می‌نشینند و این حقایق را مسخره می‌کنند و روشنفکرانه مثلاً می‌گویند اگر میله آهنی باشد، سَرَم را کنار می‌کشیم تا به چشم نخورد!! نمی‌تواند بفهمد که این چیزی در خودت است؛ مثل کوری مادرزاد که در خودت است. اگر می‌توانی از آن فرار کنی از این هم فرار کن. این فعل تو در نظام هستی است. در آن جا می‌فهمی که قضیه يك جور دیگر شد. آن مثال بیابان و باتلاق گندیده و تاریک و وحشتناک و حیوانات وحشی و... [که زدیم] چه بوده؟ چیزی جدا از خودت نیست. فلان گناه را انجام دادی، مأمور مربوطه شخصیتی را از تو ساخته که این چنین است. یا مثلاً بعد از مدتی توبه کردیم، در آن عالم هم بعد از مدتی، دوستی بسیار زیبا می‌بینیم که آمد و مرا نجات داد و به باغی برد با لذت‌های خودش. اگر توبه نمی‌کردیم، تا آخر همین عذاب بود. در آن عالم تمام اعمال ما، خود ما می‌شویم با يك وضع بسیار عجیبی. نمونه این را در عالم رؤیا، خداوند نشان می‌دهد. تازه این پرده بسیار ضعیفی است از عالم برزخ. در مورد پل صراط ایت الله دستغیب (ره) دارند که: پل صراط برای بعضی‌ها پهن می‌شود و برای بعضی‌ها آن قدر نازک که در آتش می‌افتند. برای بعضی‌ها آن قدر طول می‌کشد و برای بعضی، اصلاً نمی‌فهمند کی رسیدند و از جهنم رد شدند.

در ساختن بدن و... تا این جا، اختیار در دست من نبود؛ اما از این به بعد اختیار را دست خودم داده‌اند. پس تمام واجبات و محرمات و مکروهات و مستحبات، معنای بسیار وسیع و حقیقتی دارند و قراردادی نیستند. تمام این‌ها آجرها و مواد ساختاری ماست که دارد تبدیل می‌شود به يك زندگی حقیقی و لطیف، در برابر يك زندگی مجازی و زودگذر که در آنیم. با این دید فطری اگر به قضیه نگاه کنیم، هر لحظه ارزش خاصی پیدا می‌کند و در ما هدف و رشد و توجه و دید بازتری می‌دهد و همان مقدار، اعمال ما هم عمق و معنی پیدا می‌کند.